

پیشگامان تقریب مذاهب و نقش اجازه در جامعه اسلامی

پیشگامان تقریب مذاهب و نقش اجازه در جامعه اسلامی

سید محمود مرعشی

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از اصلی ترین و مهمترین پایه های وحدت در جامعه اسلامی و ملل مسلمان، توحید و اعتقاد به وحدانیّت و یگانگی خداوند است. به موجب این اصل، همه امّت اسلامی با هر نژاد، طبقه، رنگ و زبان، در هر زمان و مکان باید به آفریدگاری یکتا و یگانه و دین و طریقة واحدی ایمان داشته باشند تا مصدق تمام عیار و کامل «امّت واحده» قرار گیرند.

قرآن مجید در آیات فراوانی، بطور صریح و آشکار مسلمانان و جهانیان را به توحید فرا می خواند و عقیده توحیدی را خمیر مایه تشکیل امّت اسلامی می داند:

«اَنَّ هَذِهِ اَمْتُكُمْ اَمّْةٌ وَاحِدَةٌ وَانَّا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»(۱)؛ اینک (با آمدن دین مقدس اسلام و آیین توحیدی) امّتی یکپارچه ویگانه شدید و من پروردگار شما هستم، (بنا براین) فقط مرا پرسش کنید».

در آیه ای دیگر علل و اسباب نزدیکی و وحدت مسلمانان را به خویش نسبت

1 - سوره انبیاء : 92 .

-(80)-

می دهد و به پیامبر گرامی اسلام اعلام می کند که ای پیامبر ! تو با همه ثروت و امکانات روی زمین، قادر به این وحدت نبودی: «وَاللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ انفَقْتَ مَا فِي الارضِ جَمِيعاً مَمَّا الْهَفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ اَلَّا فَبَيْنَ ذَهَبِهِمْ ازْهَى عَزِيزٌ حَكِيمٌ»(۱)؛ این خداوند بود که دلهای مؤمنان را به هم نزدیک و مهربان ساخت، اگر تو تمام ثروت روی زمین را در راه ایجاد الفت و پیوند دادن دلهای مؤمنان به یکدیگر خرج می کردی، نمی توانستی دلها یشان را به هم نزدیک سازی ! اما خداوند بود که آنان را به هم الفت داد، یقیناً خداوند به هر کاری توانا و داناست».

از این فراتر و بارزتر آن که منشا پیدایش بنی آدم و خیشگاه انسانها را از یک سرچشمه می داند و آشکارا هر گونه اختلاف نژادی، طبقه بندي طبقاتی و فرقه گرایی را مردود دانسته و بیان می دارد که «بَأَيْمَانِ النَّاسِ ازْمَانٍ خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَرَّةٍ وَانثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُورًا وَقَبَّا أَئِلَّا لِتَعَارَفُوا انَّ اكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتْقَانَكُمْ»(۲)؛ ای مردم ! آگاه باشید که همه شما را از مرد وزن آفریدیم و آنگاه شما را گروه گروه و فرقه های گوناگون قراردادیم، تا یکدیگر را بشناسید، یقیناً بزرگوارترین و بهترین شماها نزد خداوند پرهیزکارترین شماست».

در عین این گروه بندي متعارف به دلیل ایمان واحد و عقيدة مشترک، همه مؤمنان را برادر همد یگر معرفی نموده، از یکا یک آنان می خواهد که اگر اختلافی بین این برادران دینی پیش آید، باید به اصلاح آن پرداخت و برادران را با یکدیگر آشتی داد و در این مسیر تقوا پیشه کرد تا مورد لطف و مرحمت حق

قرار گیرند: ﴿اَذْهَمَا الْمُؤْمِنُونَ اخْوَةً فَاصْلَحُوا بَيْنَنَ اخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْهِمُونَ﴾ (3).

1 - سورة انفال: 63.

2 - سورة حجرات: 13.

3 - سورة حجرات: 10.

-(81)-

راه از میان رفتن اختلاف و تفرقه و دشمنی، چنگ زدن به ریسمان توحید و یا دآوری نعمتهاي وحدت آفرین الهی است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِرَبِّكُمْ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَادْكُرُوا نَعْمَمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اذْ كُنْتُمْ اعْدَاء فَاللَّهُ فَبَيْنَنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْهُمْ بِنَعْمَتِهِ اخْوَازَمَا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَّا حُفْرَةٍ مِّنَ الذَّارِ فَانْقَذَكُمْ مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَدِّيُنُ اللَّهُ لَكُمْ آبَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾(1)؛ وهمگی به رشته الهی چنگ بزنید و به راههای گوناگون تفرقه آمیز نروید و به یاد آورید آن نعمت بزرگ را که وقتی شما با هم دشمن بودید، خداوند بود که بین شما الفت و مهربانی و پیوند قلبی بر قرار کرد و به لطف او بود که همگی با هم برادر شدید، در حالی که در لب پرتگاه آتش قرار داشتید و خداوند شما را از آن نجات داد.

بر این معیار و بر این مبنای بود که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآلہ میان مسلمانان عقد اخوت بست و یک پیوند خدایی و ناگسستنی در میان امت اسلامی پدید آورد و مسلمانها با عقيدة مشترک به وتوحید، نبوت، معاد و ایمان به ملائکه، کتاب خدا، قبلة واحد و نیایشی واحد و مشترک به وحدت رسیدند و امّتی واحد، یکپارچه، همگون و برابر و برادر شدند؛ چرا که قرآن آنها را برادر دانسته و پیامبر تاکید فرمود که: «المؤمن اخو المؤمن» و نیز آنها را به جسمی واحد تشبيه کرده و فرمود: مثل المسلمين في تراحمهم و توادهم، كمثل الجسد اذا اشتكي منه عضو تداعي له سائر الاعضاء بالسهر والحمى.

این جسد همان امّت یکپارچه اسلامی است و اعضاي پیکر آن مسلمانان و شعبه ها و تیره های مختلف و متفرق هستند، و اگر عضوي از آن پیکر واحد دچار ناراحتی، جراحت والمي گردید، وظيفة ساير اعضا و اجزاست که به درمان آن بپردازنند، تا جامعه به صلح، آرامش، ترقی و تکامل دست یابد.

1 – سوره آل عمران: 103.

–(82)–

با همه توصيه ها، تاكيدها و دستورهای آشکار خداوند و بیامبر گرامي اسلام صلي الله عليه وآلله ديري نپا ييد که اختلاف و تفرقه در جامعه یکپارچه اسلامي پدید آمد و پیکر واحد اين امّت متحد و توحيدی گرفتار آفت و بيماري و دشمنيهای خانمان براندار گردید.

دشمنان اسلام که از آغاز ظهور اسلام از اين امّت واحده، ضربات سهمگيني خورده بودند، از اين اختلاف وشكاف بين مسلمان سود جُسته و سربرآوردن و آگاهانه به اين اختلاف دامن زدند و هر چه بيشتر بر عمق و گستره تفرقه بين مسلمانان افزودند و شكاف و اختلاف را عميقتر و خصمانه تر ساختند.

باز شدن دست استعمار باعث دامنه دارتر شدن اين اختلافات و تفرقه ها گردید، به حدّي که مسلمانان روز به روز ضعيفتر و شکننده تر شده و در چنگ استعمار خونخوار گرفتار گردیدند؛ از اين رو بر رهبران فكري جامعه، دانشمندان و عالمان اسلامي است که نخست خود دست وحدت و برادری به سوي يكديگر دراز گشته و در مرحله بعد به بيدارگري امّت متفرق، متشتّت و پراكنده اسلامي پرداخته و به ايجاي برادری، اتحاد و يکپارچگي در ميان مسلمانان روی آورند و همگي را به توحيد که پايه و رکن اساسی اسلام و عامل وحدت بخش جامعه اسلامي است، فرا خوانند وزير پرچم قرآن به اعاده بناي وحدت اسلامي بپردازنند و به هر مسلمان در هر نقطه و هر زمان بفهمانند که مسلمان برادر مسلمان است و به تبيين اين حقiqت که وحدت مسلمانان بر دو محور اصلی مي چرخد پرداخته شود:

1 – رعایت و احترام نمودن هر مسلمان به حقوق ديگر مسلمانان در هر سرزمين از بلاد پهناور اسلام، بدون در نظر گرفتن مذهب، طبقه، نژاد، جنسیت، زبان و رنگ، و مصون بودن جان و مال آنان.

و پیامبر اسلام و امامان و پیشوایان جامعه اسلامی به آن توصیه و راهنمایی و حتی عمل کرده اند.

در این میان نقش عالمن و بزرگان شیعه در فراهم سازی زمینه های وحدت تمامی ملل اسلامی و ایجاد بستر تفاهم و همدلی و تقریب و نزدیک سازی فرق مختلف جهان اسلام و پیروان مذاهب توحیدی بسیار برجسته و شاخص است.

شخصیتهاي بزرگ و نامداري ما نند: ابو القاسم علی بن الحسین بن موسی معروف به شریف مرتضی و علم الهدی (355 - 436 ق)، مفسر، متکلم و فقیه اصولی ابو جعفر محمد بن حسن طوسي معروف به «شیخ الطائفه» و «شیخ طوسي» (385 - 460) مفسر فقیه و اصولی و از مشاهیر فقها و علمای شیعه؛ جمال الدین بن حسن یوسف بن مطھر معروف به علامه حلّی (648 - 726 ق) یکی از نامور ترین فقهای شیعه؛ محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد معروف به شیخ بها ی (953 - 1030 ق) فقیه اصولی، محدث رجالی، مفسر، متکلم، ریاضیدان و ادیب بر جسته شیعه؛ ملاً محمد باقر بن محمد تقی معروف به علامه مجلسی (م 1111 ق) محدث و فقیه و از مفاخر شیعه و از متاخرین آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبا ی بروجردي (1292 - 1380 ق) فقیه بر جسته و مرجع نامدار شیعیان، دلسوزانه و مجدّانه در این راه کوشیده و همت بر این کار گمارده اند.

آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی؛ (1315 - 1411ق) نیز به تاسی از این بزرگان و سلف صالح تشیع، پیش از پایه گذاری «دار التقریب بین المذاهب الاسلامیة» در مصر توسط شیخ محمد تقی قمی شیعی و شیخ شلتوت رئیس جامع الازهر قاهره و همگامی کسانی مانند آیت الله بروجردي، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی از جهان تشیع و عبد المجید

سلیم، محمد علی علویه پاشا، حسن البندّاء، علی مؤید، امین الحسینی و شیخ آلوysi فرزند صاحب تفسیر آلوysi در سال 1378 قمری، عملاً گام در این راه نهاد و با حضور در جلسات درس علماء بزرگ اهل سنت از مذاهب چهارگانه و دیگر فرق اسلامی در عراق و سایر مناطق اسلامی، به شکلی واقعی و عینی در راه تفاهم

هر چه بیشتر و نزدیک سازی مذاهب مختلف و علماء با یکدیگر، و ایجاد زمینه‌های گسترشده ارتباطات همه جا نبه کوشید.

ایشان در آغاز دوره تحصیلی در عراق به محفل و جلسه درس علمای طراز اوّل اهل سنت عراق مانند: علامه شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی (1356 ق)؛ علامه سید ابراهیم موسوی رفاعی شافعی بغدادی (متوفی 1365 ق)؛ علامه شیخ نور الدین شافعی مشهور به شیخ نوری؛ علامه سید عبد الوهاب افندی حنفی و علامه سید علی خطیب نجف اشرف، شرکت نمود و از مباحث و تقریرات درسی آنان استفاده کرد و ارتباطی متین و مستحکم با آنان به وجود آورد که موجب شگفتی بسیار از معاصران وی گردید.

آیت ۱۰ مرعشی نجفی برای تحکیم هر چه بیشتر وحدت علمای اسلام و ایجاد زمینه‌های اتحاد و همبستگی در جامعه اسلامی، از تعداد بسیاری از مشايخ روایتی و درسی خویش، از علماء و فقهاء بزرگ اهل سنت و جماعت و سایر فرق اسلامی اجازة روایتی دریافت کرد و یا به آنان اجازة روایتی داد که بیش از اشاره به آنها، لازم است در اینجا به مفهوم اجازات روایتی در میان علمای اسلام و زمینه سازی اجازات متقابل و طرفینی که اصطلاحاً^۲ به آن اجازات «مدبّجه» می‌نامند، نیز اشاره کوتاهی داشته باشیم.

—(85)—

اجازات روایتی

حدیث و حاملان و راویان آن در جامعه اسلامی از پایگاه و موقعیت ممتازی برخوردار بوده و هستند؛ زیرا حدیث بیان و تفسیر قرآن و احکام و قوانین اسلام است و محدث و راوی، بازگو کننده و ناقل آن، از این رودر علم الحدیث و رجال بسیار به آن دو پرداخته اند و برای شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح راههای مختلفی ارائه کرده اند، چنانکه برای حاملان احادیث و ناقلان و راویان آن، شرایط و ویژگیهای خاصی قائل شده و در نظر گرفته اند. در حقیقت اجازه روایتی در اصطلاح دانشمندان اسلامی عبارات است از: تایید دانشمندی بر جسته بر تایید عالمی دیگره که خود در طول تاریخ اسلامی در مذاهب گوناگون بین علمای مذهبی رایج و معمول بوده است.

راهها و به اصطلاح «طرق حمل حدیث» گوناگون و مختلف است و شهید ثانی این طرق و راهها را به هفت دسته تقسیم کرده که عبارتند از: سمع (شنیدن)، فرائت، اجازه، مناوله، کتابت، اعلام و وجاده که هر یک از این راهها خود به بخشها و شعبه‌های متعددی تقسیم می‌گردد؛ از این هفت راه جز طریق اجازه، بقیه

رواج چندان زیادی ندارد، به همین دلیل مختصر ا فقط به اجازه می پردازیم(1).

الف - اجازه روایتی که به هنگام اطلاق، ناطر به همین قسم است و به این معناست که عالمی صاحب اجازه، که از مشايخ و اساتید خود اجازه نقل حدیث و بیان و روایت آن را دارد، به عالمی واجد شرائط، اجازه دهد که از او احادیث و اخباری را که وی از مشايخ خود کتاب^۱ یا شفاهات^۲ نقل کرده، در نوشته ها و آثار و تالیفات خود بیاورد و یا برای

1 - جهت اطلاع بیشتر ر. ل: الاجازة الكبيرة، آیه ۱۰ العظمی مرعشی نجفی رحمه ۱۴۶۵ چاپ قم سال ۱۴۱۴ ق.

-(86)-

دیگران نقل و روایت کند.

این نوع از اجازات به این دلیل رواج یافته که هر شخص بی صلاحیتی نقل حدیث نکند و تنها افرادی که واجد تقوا، راستگویی، اما نتداری، بصیرت، خبره، حدیث شناس، سندشناس و رجال شناس باشند، مجازند به نقل حدیث بپردازند تا الفاط و محتوای حدیث خدش دار نشود و شنووندگان و خوانندگان با اطمینان کامل مضمون حدیث را به گوش جان بشنوند و به آن عمل کنند.

این گونه اجازات روایتی فواید بی شماری دارد که از جمله، تیمن و تبرک اجازه است که «مجاز» خود را در بین روایان حدیث احساس می کند؛ دیگر اتصال اسانید کتابها و روایات که در هر عصر و زمان، دیگری به دیگری می سپارد و نسبت کتابها به نویسندها و نقل احادیث از اعتبار بیشتری برخوردار می گردد؛ همچنین آشنا بی بیشتر «مجاز» از شرح احوال علمای گذشته و اسامی و تالیفات و مشايخ آن و نیز از لحاظ تاریخی در هر عصر و زمان علت مدور اجازه عالمی به عالم دیگر از هر طبقه مشخص می گردد؛ دیگر آن که احوال علما و دانشمندان و نیز دیدگاههای استادان نسبت به شاگردان وبالعكس، وشهادت آنان در حق یکدیگر مشخص می شود؛ بالاخره برای نقل احادیث از کتب معتبره در مرحله اول اعتماد بیشتری در شنووندگان و خوانندگان ایجاد می گردد.

ب - اجازه اجتهاد (شهادت نامه عملی)، که اجازه دهنده (مجیز) برای اثبات قدرت استنباط احکام شرعی از روی ادله تفصیلی، آن را به اجازه گیرنده (مجاز) می دهد.

به عبارت دیگر، هنگامی که استاد و شیخی، قدرت و توانایی و ملکه استنباط احکام شرعی و اجتهاد را در شاگرد خویش تشخیص بدهد، به او اجازه

-(87)-

اجتهاد خواهد داد.

این نوع اجازه در میان متاخرین بسیار متدالول شده و نوعی شهادتname علمی است که اسا تید به شاگردان خود می دهد؛ اعم از این که این اجتهاد مطلق باشد و یا متجزی که مجتهد قادر اجتهاد بخشی از احکام را داشته باشند.

ج - اجازه امور حسبیه و گرفتن و محاسبه وجوده شرعی، مانند سهم سادات، سهم امام رضا عليه السلام، زکات، صدقات کفارات، مطالع عباد، مجهول المالک، و تصرف در امور دینی، اسلامی و اجتماعی مسلمانان.

به اعتباری دیگر، تمامی اجازات روایتی به دو نوع اجازات کتبی و شفاهی تقسیم می گردد اجازات کتبی عبارت است از این که ، شیخ واستاد به شاگرد و یا عالمی دیگر به صورت مكتوب و مستند اجازه روایت و نقل حدیث بدنهند و اجازات شفاهی آن است که، کتابتی و سندی مكتوب در میان نباشد و با اعتمادی که استاد و مجیز به مجاز دارد، شفاهه^۱ به وی اجازه نقل حدیث و بیان آن را برای دیگران می دهد.

آیت ۱۰ مرعشی نجفی رحمه ۱۰ در زمرة معدود مراجع و مجتهدان و عالما نی است که از سنین جوانی و در طول زندگی پربار خویش موفق به دریافت بیش از چهار صد و اندی اجازه روایتی از مشايخ جهان اسلام گردید و بلکه می توان ادعا کرد که در میان علمای متاخر کمتر عالمی است که مانند ایشان نائل به این همه اجازه شده باشد، در حقیقت شیخ الاجازه عصر خویش به شمار می آید (۱).

اجازات کتبی معظم له نزد يك به 150 اجازه و اجازات شفاهی ایشان متتجاوز از 250 اجازه می شود.

۱ - ایشان گذشته از این که موفق به دریافت بیش از چهارصد و اندی اجازه از علمای اسلام شده اند، خود نیز سه هزار اجازه به افراد مختلف واجد شرایط در طول زندگی خود داده اند.

-(88)-

وی بیش از 339 اجازه روایتی از علماء و فقهای شیعه و 156 اجازه روایتی از علماء و فقهای اهل سنت و بیش از هفده اجازه روایتی از علمای زیدی دریافت کرده است که خود نشانگر ارتباط گسترده ایشان با علماء، فقهاء و محدثان مذاهب اسلامی است.

شماری از اجازات ایشان به صورت متقابل و طرفینی است که در اصطلاح علمای حدیث و اجازه، آن را اجازه «مدبّجة» می‌نامند؛ یعنی بعضی از مشايخ - اعم از شیعه و سنی - به آیت ۱۰ مرعشی اجازه نقل حدیث از طریق خودشان داده اند و متفاصل ایشان نیز به آنان اجازه نقل احادیثی که خود از طریق دیگر مشايخ نقل کرده، داده است.

دسته‌ای از این اجازات که کتبی هستند، اینجانب گردآوری کرده ام که به باری خداوند در کتاب «المسلسات فی الاجازات» در آینده در دو جلد به عربی منتشر خواهد شد؛ جلد اول آن اصل اجازات با دستخط «مجیزین» و جلد دوم شامل زندگینامه اجازه دهنده‌گان است.

علماء و دانشمندان اهل سنت که به آیت ۱۰ مرعشی نجفی اجازه روایتی کتبی داده اند عبارتند از:

۱ - علامه شیخ عبد الحفیظ بن محمد طاهر فهري فاسی مالکی مغربی، از ذریعه ذی الوزاتین یحیی بن فرج بن حد اندلسي (1296 - 1383 ق) مقیم رباط مراکش.

مجموعه اجازه از او به نام «الاسعاد بمهمّات الاستناد» در 63 صفحه است که در سال 1357 ق نوشته است.

۲ - علامه شیخ داود بن محمد بن عبدالمرزوقي زبیدی یمانی شافعی. تاریخ اجازه بیست و هفتم ربیع ۱355 ق در یازده صفحه.

۳ - علامه سید ابراهیم راوی رفاعی بغدادی شافعی (1276 - 1365 ق) مدرس سابق جامع سید سلطان علی در بغداد. ایشان سه اجازه به مرحوم آیت ۱۰ مرعشی

نجفي رحمه اه داده اند که اولی دربیست و ششم شعبان 1351 ق در هشت صفحه، دومی دربیست و هفتم ربیع الاول 1355 ق و سومی بدون تاریخ است.

4 - علامه شیخ محمد بخت بن حسین مطیعی مصری حنفی (1271 - 1354 ق) مفتی سابق حنفیه مصر. اجازه او به تاریخ بیست و ششم ذیقعده 1352 ق در قاهره نوشته شده است.

5 - علامه شیخ محمد طاہر بن محمد شاذلی بن عبد القادر بن محمد بن عاشور شریف مالکی مغربی تونسی (1286 - 1393 ق) تاریخ اجازه بیستم شوال 1388 ق در هشت صفحه.

6 - علامه سید علوی بن طاہر بن عبدالحداد علوی حسینی شافعی حضرمی (1301 - 1382) تاریخ اجازه هیجدهم شوال 1366 ق در 42 صفحه.

7 - علامه شیخ محمد اه حافظ جی حضور امیر الشریعة ابن مولوی محمد ادریس حنفی بنگلادشی (سال تولد - 1988 م) رهبر مذهبی مسلمانان بنگلادش.

تاریخی اجازه هیجدهم ذیقعده 1402 ق در شهرستان قم.

8 - علامه شیخ محمد بهجه بن محمد بهاء الدین بیطار دمشقی حنبلی (1311 - 1396 ق) از دانشمندان برجسته سوریه و مؤلفان مشهور جهان عرب. تاریخ اجازه پانزدهم جمادی الثاني 1357 ق.

9 - علامه شیخ یوسف بن احمد بن نصر دجوی مصری مالکی، (1365 - 1387 ق) عضو جمعیة کبار العلماء سابق مصر تاریخ اجازه هیجدهم جرای 1939م.

10 - علامه سید علی بن حمد بن عقیل علوی شافعی یمانی.

11 - علامه شیخ عبد الواسع بن یحیی بن حسین واسعی یمانی شافعی (1295 - 1379) از علمای بزرگ یمن. دو اجازه به مرحوم آیت الله مرعشی نجفی رحمه اه داده است

که اولی در شوال 1355 و دومی بدون تاریخ است.

او اجازه ای نیز متقابلاً از آیت ۱۰ مرعشی نجفی در چهارم محرم الحرام ۱۳۵۵ ق. دریافت کرده است که در صفحه ۱۰۳ کتاب «الدر الفريد الجامع لمفترقات الاسانيد» به سال ۱۳۵۷ ق. در چاپخانه حجازی قاهره چاپ شده است و آن را به عنوان نمونه در پایان مقاله آورده ایم.

12 - علامه شیخ ابراهیم جبالي مصری، از دانشمندان برجسته سابق الازهر مصر که شهر فراوانی نزد علمای آن دیار داشته است. تاریخ اجازه بیست و هفتم ربیع الاول ۱۳۵۴ ق.

13 - علامه شیخ احمد بن محمد بن سلیمان اهل مقبول حسینی زبیدی، ملقب به ادریسی، (۱۲۸۴ - ۱۳۵۷) تاریخ اجازه هیجدهم ربیع ۱۳۵۵ ق.

14 - علامه شیخ محمد بن صدیق بطاح اهل شافعی حضر می، تاریخ اجازه، ربیع ۱۳۵۵ ق.

15 - علامه شیخ احمد بن شیخ امین کفتارو مفتی بزرگ سوریه. تاریخ اجازه چهارم ربیع الاول ۱۴۰۲ ق.

16 - علامه شیخ محمد حسن مشاط مکی، خادم و مدرس حرم مکی و دارای تالیفات بسیار. نام اجازه او: «الارشاد بذکری بعض مالی من الاجازه والاسناد» در دوازده صفحه که به سال ۱۳۷۰ ق. نوشته است.

17 - علامه شیخ حسین مجیدی کردی شافعی، مدرس در مسجد بازار شهرستان مها باد کردستان. تاریخ اجازه ۱۳۸۸ ق.

18 - علامه سید حسن اسعدی شافعی کردی مقیم کردستان، شهرستان سلدور: اجازة او در سه صفحه به تاریخ ۱۳۸۵ ق.

19 - علامه عارف شیخ عبدالعزیز بن ابراهیم نیاس مالکی تیجانی، رهبر تیجانیهای آفریقا در کشور سنگال.

بین مرحوم آیة الله مرعشی نجفی رحمه السلام و کسانی ما نند: علامه سید احمد بن محمد بن سلیمان بن عبدالله اهل شافعی حضرمی یمانی؛ علامه سید ابراهیم راوی رفاعی شافعی بغدادی، علامه شیخ عبد الواسع بن یحیی واسعی یمانی، شیخ عبدالله بن ابراهیم نیاس مالکی تیجانی، رهبر فرقه تیجانیه کشور آفریقا بی سنگال، علامه شیخ احمد بن امین کفتارو، مفتی بزرگ جمهوری عربی سوریه، شیخ محمد الله حافظ جی حضور، امیر الشریعة حنفی و رهبر مذهبی مسلمانان بنگلادش اجازات مدبلجه ردو بدل شده است.

سایر علماء و فقهای اهل سنت که آیت الله مرعشی نجفی از آنان اجازه کتبی و شفاهی روایتی دریافت کرده عبارتند از؛ سید عبد الوهاب افندی حنفی، مفتی استان کربلا در زمان دولت عثمانی، علامه مصلح و مفسر بزرگ مصر شیخ طنطاوی جوهري مصری صاحب «تفسیر الجواهر»، شیخ محمد راغب بن حاج محمود حلبي صاحب کتاب «اعلام النباء بتاریخ حبل الشهباء»، سید محمد بن عقیل بن عبدالله حسني علوی عریضی حضرمی، ابو بکر بن شهاب علوی، علامه شیخ نور الدین شافعی مشهور به شیخ نوری، علامه محدث مصلح شیخ احمد بن عبدالرحمن بن محمد البناء مشهور به ساعاتی مصری مالکی (پدر شیخ حسن البناء رئیس اخوان المسلمين) شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی، شیخ محمد دمشقی حنبلي، سید جمال الدین ابو المعالی محمود شكري آللوysi بغدادی، شیخ عبدالوهاب بن عبدالله خوقیر شافعی مکی امام مسجد الحرام، شیخ یوسف عطاء حنفی اشعری بغدادی، شیخ حسین منون بن یوسف بن احمد منون، علامه فضل الله جیلانی استاد دانشگاه عثمانیه حیدر آباد

—(92)—

دکن، ابو سعید محمد عبد الهاדי بن حاج محمد عبد الكریم بن احمد هندي مدرسی حنفی حیدر آبادی، حاج شاه مولوی محمد عبد الحامد حنفی قادری بدا یونی رئیس جمعیت علمای پاکستان، عبد الرحمن علیش حنفی مصری، شیخ محمد حبیب الله بن احمد مالکی جکنی یوسفی شنقیطي مدنی، سید ابو عبدالله محمد بن حسن بن عربی محمد حجوي ثعالبی مالکی مغربی فاسی رباطی، سید فائق بن صالح بن عبد القادر بن یونس علیوی عبادی ربوی موصلی شافعی، شیخ محمد سلیم جندي شافعی ثم الحنفی مفتی بلده معربة النعمان، سید محمود ابو الفیض مونی مصری شاذلی خلوتی، شیخ محمد رشید خطیب بن شیخ صالح طائی موصلی، شیخ یوسف بن اسماعیل بن یوسف ناصر الدین شافعی بیرونی نهانی، شیخ محمد یوسف بن محمد الیاس هندي کاندھلوی، شیخ مظفر احمد بطیف عثمانی تھانوی و سید نسّابه ابو الاسعاد، ابو الاقبال سید محمد عبد الحی بن سید عبد الكبير حسني ادریسی مغربی کتنا نی.

به این ترتیب آیة ۱۰ العظمی مرعشی نجفی رحمه ۱۰ یکی از علماء وفقهای پیشنازی است که با شرکت در مجالس درس و مباحثات عالمان و بزرگان مذاهب مختلف اسلامی، وهمجنین گرفتن و دادن اجازات روایتی، باب مراوده و راه ارتباط بین علمای مذاهب اسلامی را گشود و در نزدیک کردن علمای فرق مختلف به یکدیگر کوشش فراوان کرد و طریق ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل علماء و فقهای جهان اسلام را پیمود و از آن، در ایجاد ارتباط و اتحاد و وحدت بخشی به جامعه اسلامی ومذاهب و فرق گوناگون جهان اسلام به خوبی استفاده کرد.

راه دیگری که آیت ۱۰ مرعشی نجفی در تقریب مذاهب و ایجاد رابطه و برقراری اتحاد میان بزرگان و علمای اسلامی طی کرد، سیر و سفر و ملاقات با دانشمندان، فقها

—(93)—

وبزرگان اهل سنت و سایر مذاهب اسلامی بود.

ایشان در این سفرها با شخصیتهای علمی و مذهبی بسیاری ملاقات و در محفل درس آنان شرکت جست و با آنان به بحث و بررسی مسائل اسلامی پرداخت، که برخی از آنان عبارتند از:

علالّه سید محمود شکری آلوysi بغدادی، شیخ طنطاوی جوهری مصری، علامه سید علی خطیب در نجف، سید یاسین حنفی در بغداد، شیخ عبد السلام شافعی کردستانی، رشید بیضون لبنانی، سید محمد رشید رضا شاگرد محمد عبده مصری و صاحب تقریرات تفسیری «تفسیر المنار»، عارف الزین مدیر مجله «العرفان» در لبنان، قاضی بهجت افندی صاحب کتاب «تاریخ آل محمد صلی الله علیه وآلہ، دکتر حسن قاسم مصری، شیخ ابراهیم جباری مصری، شیخ یوسف دجوی مصری، شیخ محمد بهجه بیطار دمشقی و صدھا عالم و دانشمند برجسته از اهل سنت، زیدیه و اسماعیلیه و سایر فرق اسماعیلی.

راه دیگری که معظم له برای تقریب و ایجاد وحدت علمای اسلامی و در نتیجه ملل اسلامی پیمود، ارتباط با علماء و بزرگان اهل سنت از راه مکاتبه بود.

نامه های فراوانی هم اکنون در میان اسناد زندگینامه آیت ۱۰ مرعشی موجود است که نشان می دهد ایشان چقدر به این امر اهمیت می داده و در راه برقراری اتحاد میان مسلمانان، بویژه علمای اسلامی چه کوششی داشته است.

ایشان با رئیس «جمعیت اخوت اسلامی مصر» علامه شیخ طنطاوی جوهری، مکاتبات بسیاری داشته و برای وی کتابها و رساله‌های مختلفی در مورد شیعه ارسال می‌کرده است.

همچنین با علامه شیخ محمد بهجه بیطار دمشقی و علامه سید حسین محمد

—(94)—

رفاعی مصری رئیس «رابطة عموم السادة الاشراف الكبیر العالمية» و دیگر علماء و فقهاء بزرگ اهل سنت مکاتبه و نامه نگاری داشته است.

هدف از این مکاتبات در مرحله نخست اعلام کلمه اهل بیت علیهم السلام و رساندن ندای آنان به گوش تمامی مسلمانان در جهان اسلام، و در مرحله دوم ایجاد وحدت و اعلان کلمه توحید و اتحاد جوامع و فرق و مذاهب اسلامی بود. یادش گرامی باد.

اینک یک اجازه که مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه السلام شیخ عبدالواسع واسعی یمانی در محرم سال ۱۳۵۵ ق. نوشته اند و در کتاب «الدر الفريد الجامع لمتفرقات الائمة» که به سال ۱۳۵۷ ق در قاهره چاپ شده است، با اجازه ای دیگر از مرحوم شیخ محمد بخیت مطیعی حنفی مصری که برای آیت الله مرعشی نجفی نوشته است به عنوان نمونه از نظرتان می‌گذرانیم.

وهذه اجازة السيد العلامة شهاب الدين

أبو المعالي الحسيني الحسني من علماء الامامية

حفظه الله من ايران مدينة قم

P

الحمد لله الذي جعل الروايات عن الأئمة السادات ذريعة لنيل السعادات، وصان طرقها من تطرق الشكوك

والشبهات، والصلة والسلام على أشرف البريات، محمدٌ المنتهي إليه سلسلة العلوم من كل جهات، وعلى أهل بيته الذين اذهبوا عنهم الجرس وطهرهم تطهيراً، الذين من تمسك بذيلهم فقد نجا، ومن تخلف عنهم فقد هلك، كيف والى الله يدعون، وبأمره يعملون وبقوله يحكمون ، صلاة دائمة مستمرة.

وبعد فقد استجاز عني الأخ الفاضل، والعالم الكامل، شمس سماء العلم والجلالة،

—(95)—

وبدر أوج السعادة والنبلة، العلامة البحاثة، الاستاذ المؤرخ الرحالة، شيخنا الشيخ (عبدالواسع بن يحيى الواسعي) اليماني، دام مجده وفاق سعده، في رواية ما صحت لدى^٣ روايته، وصاغت عندي اجازته، من معقول ومنقول، وذلك بعد ما استجزت عنه رواية ما يرويه وقد أجازني، واني وان كنت لا أعد نفسي الجانية من فرسان هذالمضمار، ولا من سباق هذا الزمان ولكن امثال أمراه المطاع، أزمني باسعاف المسؤول، ونجاح المأمول، فاستخرت الله في ذلك وأجزت له دام علاه، وزيد في ورعه وتقاه، أن يروي عن كل^٤ ما أرويه بطرق المتكثرة المنتهية الى أهل بيته الوحي والرحمة، وخز^٥ ان العلم والحكمة، وهي تقرب من مأئتي طريق.

مضافاً الى مالي من طرق أهل السنة وغيرها من فرق الاسلام، ولا أعلم في هذه الأعصار، أزنه اتفق لاحد مثل ما اتفق لي من جمع الطرق بهذا المقدار، وذلك من فضل ربِّي أشكر أم أكفر، ولكن الأسف أن المجال غير مقتض لذكرها مفصلة لما أحل بنا مما (اشارة الى مصائب حللت بنا من الشّقي البهلوi) يذيب القلوب ويهيج الأحزان والクロب، وأرجو الله تعالى أن يكشف هذه الغمة عن الامة.

(والذي يمكنني) نجم سماء السيادة شرف آل الرسول فخر بنى الزهراء البتول، سيدي الوالد العلام^٦ الاستاذ السيد شمس الدين محمود الحسيني المرعشى النسابة المتوفى سنة (1388ق) عن والده شرف الدين السيد علي سيد الأطباء الحسيني المرعشى المتوفى سنة (1314) عن والده السيد محمد عن والده السيد ابراهيم عن العلامة السيد محمد عن استاده السيد عبد الفتاح عن والده السيد ضياء الدين محمد عن والده السيد محمد الصادق عن والده السيد محمد الطاهر، عن والده السيد علي النوّاب، عن والده السيد حسين علاء الدين، عن والده رفيع الدين محمد، عن والده السيد شجاع الدين محمود، عن والده السيد علي، عن والده السيد هداية الله، عن والده

—(96)—

الشريف السيد علاء الدين الحسيني عن العلامة السيد غياث الدين المنصور الدشتكي الحسيني الشيرازي وهو يروى عن آبائه ومشايخه السادة الميا مين خلفاً عن سلف إلى النبي الأكرم صلي الله عليه وآله مشهورة، معرفة في جوامع أصحابنا، كالكافي والاستبصار والتهذيب والبحار والوافي والوسائل والمالية وال المجالس والارشاد ومدينة العلم وبصائر الدرجات ودعائم الاسلام والمحاسن والجعفريات وعلل الشرائع وعيون الاخبار وكشف الغمة واكمال الدين وثواب الاعمال وغيرها، (وممن أروي عنه) العلامة الاستاذ خاتم أهل الحديث في القرن الرابع عشر ليث بنى هاشم، البحر المحيط بأحاديث آل الرسول، سند العراق، الآية الحجة السيد أبو محمد الحسن صدر الدين، ابن الهاדי الموسوي نزيل بلدة الكاظمين المشفرة بطرقه المعروفة، (وممن أروي عنه) العلامة الاستاذ الزاهد العابد خادم قبرى الامامين العسكريين ببلدة سر من رأي المعروفة (بساما) الحجة الثبت الشيخ الميرزا محمد بن علي الطهراني بطرقه المعروفة، (وممن أروي عنه) العلامة الاستاذ المصلح الكبير الحجة الثبت سيدنا السيد نجم الحسن الهندي مؤسس مدرسة الواعظين المشهورة ببلاد الهند، وطرقه معروفة، (وممن أروي عنه) فخر الشيعة ومرؤوج الشريعة، مجدد مذهب أجداده الطاهرين وقائد بدع المنتحلين، السيد اسحاق المشتهر بناصر الحسين الهندي نجل صاحب كتاب عبقات الأنوار المشهورة، وطرقه معروفة، إلى غير ذلك من طرق المؤئدين.

وأما مشايخي من علماء الزيدية فعدة، منهم بل هو أعلى طرقى إلى أئمة أهل البيت الإمام الهمام ابن الكرام سيف آل الرسول وشرف بنى الزهراء البتول، سيد ملوك الإسلام أمير المؤمنين الإمام يحيى بن محمد حميد الدين، نصره الله وخلد ملكه وأجرى في بحار التأييد فلكه، بطرقه المعروفة لديكم، ومنهم العلامة الفقيه المرحوم شيخ آل الرسول السيد محمد بن عقيل العلوى الحضرمي، ومنهم عدة من علماء بلدة

-(97)-

زبيد من بلاد اليمن السعيدة وغيرهم.

واما مشايخي من أهل السنة فعدة، منهم العلامة المحدث السيد ابراهيم الراوى الشافعى البغدادى بطرقه، ومنهم العلامة الشيخ محمد بخت، مفتى الديار المصرية سابقًا بطرقه المعروفة، ومنهم العلامة السيد محمود الشكري افندي البغدادى بطرقه، ومنهم الاستاذ الشيخ ابراهيم المصري بطرقه، ومنهم الشيخ نور الدين الشافعى المشتهر بالشيخ نور القارئ الحافظ، ومنهم لاشيخ عبد السلام الكردى إلى غير ذلك من طرقوهم.

فلشيخنا العلامة الشيخ عبد الواسع ان يروي عن هؤلاء الحديث ومقدما ته والفقه والاصولين والتفسير والنسب والتاريخ والترجم والكلام والعلوم الالية غيرها بالاسانيد المتکثرة المضبوطة في أماكنها ومن أراد فليراجع المجلد الأخير من بحار الأنوار، وكتاب لؤلؤة البحرين، والدرة البهية، والروضة الندية، وأمل الامل، وغيرها والمرجو من جنابه أن لا ينساني من صالح الدعاء في مطان الاجابة وأماكن الاستجابة، كما انتّي لست أنساه ان شاء الله تعالى والسلام عليه وعلى جميع موالى أهل البيت الطاهرين والرحمة والبركة، عصمنا الله واياهم من الزلل والخطل والهفوة في القول والعمل، أنه على ذلك قدیر وبالاجابة جدير، وصلی الله على سیدنا ونبينا وحبيب قلوبنا طبیب نفوسنا، ابی القاسم محمد وعلى آله الطیبین مساکن ذکر الله، ومعادن حکمته وترجمة وحیه، عناصر الأبرار، ودعائیم الاخیار الذين بهم عزّ فنا الله عالم دیننا، وأصلاح ما كان فسد من دیننا، وبهم تمت الكلمة وعظمت النعمة وأئتلت الفرقة، الھلم أحینا حیاتهم، وأمتننا مما لهم ، واحشرنا في زمرتهم، وتحت ولایتهم ولا تفرق بیننا وبينهم طرفة عین أبداً، وارزقنا في الدنيا زیارتھم، وفي الآخرة شفاعتهم:

—(98)—

آمين آمين لا أرضي بواحدة حتى يضاف اليه الف آمين

ويرحم الله عبداً قال آمين.

وحرر في رابع محرم سنة (1355) وقد وقع الفراغ من هذه الاجازة الشريفة والعجاله المنيفة بمدرسة الفیضیة الواقعه في جوار مشهد السيدة الجليلة فاطمة المعصومة بنت الإمام موسى الكاظم (س) وأنا الراجي فضل ربه، عبیده الملتجي بباب أهل البيت شهاب الدين أبو المعالي المدعو بالنجفي الحسني المرعشی كان الله له وعفا عنه ثم الختم.

ما آخذ مقاله:

المسلسلات في الاجازات، السيد محمود المرعشی: الاجازة الكبيرة، آیت الله العظمی المرعشی التجفی، اعداد محمد السماّمی الحائری باشراف السيد محمود المرعشی، قم، مکتبة آیت الله العظمی المرعشی التجفی، 1414ق؛ الدر الفرید الجامع لمتفرقات الاسانید، قاهره (1357ق) شهاب شریعت، درنگی در زندگی

حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علی رفیعی علاء مرودشتی ، قم ، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی (1373 ش م 1415 ق)؛ قیسات من حیاة سیدنا الاستاذ آیت الله العظمی المرعشی النجفی، السيد عادل العلوی قم، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی و اطلاعات اضافی که خود اینجانب از آغاز طفولیت تاکنون از والد خود داشته و دارم.